

جمع‌بندی مباحث کنگره پنجم
سازمان کردستان حزب کمونیست ایران
(کومه له)

اسفند ماه 1364

کنگره پنجم سازمان کردستان حزب کمونیست ایران_کومه له_ در اسفند ماه 1364 با شرکت نمایندگان اعضای حزب متشکل در سازمان کردستان، اعضای کمیته مرکزی و همچنین ناظرینی از کمیته مرکزی حزب و کیتته خارج از کشور حزب کمونیست ایران برگزار گردید.

دستور جلسه پیشنهادی کمیته مرکزی کومه له (برگزار کننده کنگره) به شرح زیر بود:

- (1) گزارش کمیته مرکزی
- (2) برنامه کومه له برای خود مختاری کردستان
- (3) مسائل تشکیلاتی
- (4) مسائل تاکتیکی جنبش انقلابی کردستان
- (5) انتخاب کمیته مرکزی

کنگره از آنجا که برنامه کومه له برای خود مختاری کردستان کماکان چهار چوب قابل قبولی برای فعالیت کومه له در عرصه جنبش انقلابی کردستان است و تغییرات احتمالی در جهت تدقیق آن به بحث درون تشکیلاتی گذاشته نشده، تغییر عاجل در این برنامه را ضروری ندانست و آن را از دستور جلسه خود حذف نمود. همچنین از آنجا که اهم مسائل تشکیلاتی در گزارش کمیته مرکزی گنجانده شده بود و هیچیک از شرکت کنندگان طرح یا پلاتفرمی در زمینه مسائل تشکیلاتی برای ارائه به کنگره نداشتند، کنگره این بند را نیز از دستور جلسه خود حذف نمود و در واقع به کمیته مرکزی آینده این اختیار را داد که در مقابل شرایط متفاوت بر اساس خط مشی حزب تصمیمات لازم را اتخاذ نماید.

در زمینه مسائل تاکتیکی کنگره تصمیم گرفت که با توجه به فقدان مسائل جدیدی که تصویب قطنامه ی تاکتیکی جدیدی توسط کنگره را ضروری سازد.

بحث های خود را حول بررسی روندهای عمومی جنبش انقلابی کردستان و جهت گیریهای عمومی و ارزیابی اوضاع که در گزارش کمیته مرکزی کومه له به کنگره گنجانده شده بود، متمرکز نماید. کنگره همچنین لازم دید که با توجه به اهمیت سیاسی، سیاست کمیته مرکزی کومه له در قبال تعرض حزب دمکرات، ارزیابی خود از این سیاست را اعلام دارد.

کنگره ارائه جمع بندی مباحثات خود را بر عهده کمیته مرکزی کومه له گذاشت و گزارش حاضر می کوشد تا روح کلی و جمع بندی ما را از مباحثات کنگره منعکس نماید. توجه به این نکته لازم است که مباحثات کنگره پنجم کومه له روی جنبه های ویژه فعالیت حزب ما در کردستان معطوف بود. از این رو این مباحث در واقع باید در کنار مباحث کنگره دوم حزب کمونیست ایران و سیاست های عمومی حزب قرار گیرد. تا جایگاه واقعی خود را بیابد.

کمیته مرکزی کومه له

1_ مدخل

وظیفه کمونیستها آگاه کردن و متحد ساختن طبقه کارگر برای سرنگونی بورژوازی، بدست گرفتن قدرت سیاسی و بنای جامعه سوسیالیستی است. این وظیفه نه برای حزب ما و نه برای هیچ جریان جدی کمونیست وظیفه ای نیست که مستقل از شرایط جامعه ای که در آن بسر می برد، مستقل از شرایط زندگی و کار طبقه کارگر و مستقل از مبارزه ای که در جامعه جریان دارد و طبقه کارگر در آن دخیل و ذینفع است صورت پذیرد.

واقعیت این است که طبقه کارگر در ایران در کنار مبارزه علیه ستم و استثمار که سرمایه داری بر او اعمال می کند در مبارزه ای همه گانی تر علیه ستم و سکوبی که توده وسیعتری از مردم را در برمی گیرد نیز درگیر است. این مبارزات جزئی از مبارزه کارگران برای آزادی است و طبقه کارگر خود باید به ستون فقرات آن بدل گردد.

ما(کومه له) بمثابة کمونیست های متشکل در حزب کمونیست ایران در چهارچوب برنامه، سیاست و استراتژی حزب که برنامه سیاست و استراتژی طبقه کارگر آگاه ایران است، در جهت

تحقق اهداف طبقه کارگر مبارزه مان را به پیش میبریم. لیکن هنگامی که به عرصه کار ویژه خود_بمثابه سازمان کردستان حزب کمونیست ایران_می پردازیم، با جنبش دمکراتیک و ملی روبرو هستیم که طبقه کارگر و زحمتکشان کردستان در آن دخیل و ذینفع اند و ما بمثابه پیشروان طبقه کارگر موظف هستیم تا این جنبش را به گونه ای هدایت و رهبری نمائیم که منافع طبقه کارگر را (که منافع وسیعترین اقشار توده های ستمکش نیز میباشد) متحقق سازد و کارگران و زحمتکشان کردستان و ایران را در مساعدترین حالت برای رسیدن به اهداف خود قرار دهد.

روشن است که جنبش کردستان، جنبش ملتی تحت ستم است که علیه ستمگری ملی برپا شده و تاریخ مشخصی دارد و هدف این جنبش در حقیقت کسب حق تعیین سرنوشت می باشد. این جنبش گرچه به لحاظ مضمون جنبشی دمکراتیک است و به این لحاظ در کنار جنبش سراسری علیه اختناق و استبداد حاکم عمل می کند، محدوده مطالبات و دینامیسم خاص خود را دارد و عروج و افول آن هر چند از جنبش سراسری تاثیر میگیرد و نیز بر آن تاثیر می نهد، یکباره و یک جانبه به آن بستگی ندارد. تاریخ جنبش کردستان و بویژه تاریخ دوره اخیر جنبش کردستان ایران هر دو وجه مسئله فوق را به عیان ترین شکل بیان می دارد.

برای رهبری هر مبارزه باید پیروزی آن مبارزه را معی نمود و راه حصول به این پیروزی با اتکا به نیروی مبارزه کنندگانش را نشان داد تا اساسا قادر بود برای آن راه، نیرویی بسیج نمود. رهبری این جنبش به گونه ای که گفته شد در قدم اول معنایی جزتعریف پیروزی این جنبش و اهدافی که باید متحقق گردند ندارد. ما معنی تحقق این هدف را در شرایط کنونی ایران از زاویه منافع کارگران و زحمتکشان در برنامه کومه له برای خود مختاری و بیانیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان روشن ساخته ایم. این راهی است که ما از ابتدا کوشیده ایم در آن گام برداریم و جنبش انقلابی کردستان را در این راه رهبری و هدایت نمائیم. آنچه که امروز بر عهده ماست این است که مروری بر گامها و مراحل که برای رسیدن به پیروزی لازم است بنمائیم و ببینیم در کجا ایستاده ایم و چه وظایفی را باید در دستور کار خود داشته باشیم.

2_ مروری کوتاه بر اوضاع کنونی کردستان

اشغال گسترده و نظامی کردستان تداوم مبارزه انقلابی و مسلحانه در برابر نیروهای اشغالگر جمهوری اسلامی و حمایت بیدریغ توده های مردم از این مبارزه، شرایط دشوار و سخت زندگی

توده های کارگر و زحمتکش و وجود اعتراض و مقاومت توده ای علیه تضییقات و ستمگری جمهوری اسلامی واقعیاتی هستند که حتی در مشاهده ای اولیه خود را می نمایانند.

جمهوری اسلامی کردستان را اشغال کرده و در میان نفرت و انزجار توده های و سیع مردم کرد ناچار از آن گردیده که تقریباً در همه روستاها و همه محلات شهرها، مقررها و پایگاههای خود را مستقر گرداند. کردستان اکنون بیش از هر زمان دیگر چهره کلاسیک یک سرزمین اشغالی، جنگ زده و میلیتاریزه را به خود گرفته است. جمهوری اسلامی، جنگ با عراق را در کردستان نیز شعله ور ساخته است، جنگ شهرها، بمباران و توپ باران اهالی از هر دوسو با قساوت کم نظیری دنبال شده است و سه شهر مرزی در کردستان: بانه، مریوان و پیرانشهر نیمه ویران و تقریباً خالی از سکنه گشته اند.

تشدید بحران اقتصادی ایران و انداختن بار این بحران به دوش کارگران و زحمتکشان از جانب رژیم جمهوری اسلامی در ابعاد بسیار وسیعتری دامن توده کارگر و زحمتکش را در کردستان گرفته است. بیکاری، فقر و فلاکت دامنگیر توده های کارگر و زحمتکش در کردستان حداقل در طول چند دهه اخیر بیسابقه است. شهرهای کردستان افزایش بی سابقه محلات فقیر نشین در حاشیه آنها، امروزه به مراکز اصلی تمرکز کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است. این ساکنین جدید روستائیان فقیری هستند که بحران اقتصادی و فشارهای جمهوری اسلامی آنها را از هستی ساقط کرده و بدنبال تامین حداقل معاش و برای فرار از گرسنگی به حاشیه شهرها پناه آورده اند و ارتش کارگران بیکار را تشکیل میدهند. هم اکنون صدها هزار کارگر بیکار در کردستان وجود دارند که در شهرها در جستجوی کار سرگردانند و یا به دستفروشی و مشاغل مشابه برای تامین حداقل مایحتاج زندگی میپردازند.

در همانجا قشر جدیدی از تاجران، محتکران و بازاریان به بورژوازی جا افتاده تر کردستان اضافه شده است که از قبل موجودیت جمهوری اسلامی، جنگ ایران و عراق و فلاکت زحمتکشان ثروتهای کلان اندوخته اند.

هر پیشروی جمهوری اسلامی با تشدید نفرت و انزجار و نسبت به آن در میان توده مردم روبرو بوده است. جمهوری اسلامی و مزدورانش کماکان در کردستان کاملاً منزوی و مورد نفرت هستند و مبارزه علیه آنان پا بر جاست.

مبارزه مسلحانه که با اشغال شدن کامل کردستان متحمل محدودیت هایی گردیده، کماکان با پشتیبانی و همکاری وسیع توده ای ادامه دارد و رژیم در کردستان امنیت ندارد و نتوانسته است حاکمیت سیاه خود را تثبیت نماید.

کردستان امروز شاهد حرکت های مبارزاتی کارگران در عرصه مبارزه اقتصادیست. مبارزه بر سر اضافه دستمزد، علیه اخراج و بیکاری سازی و مبارزه برای اشتغال، برای دفاع از سرپناه شان در مقابل تعرضات جمهوری اسلامی در شهرها ... بر غم پراکندگی و ناهماهنگی این مبارزات وسیعاً در جریان است.

اعتراضات توده ای و همگانی در مقابل تحمیلات و فشارهای ناشی از حضور نیروهای رژیم، علیه قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی در کردستان در ابعاد وسیعتری در جریان است. مبارزات اعتراضی علیه کوچ اجباری، سربازگیری، تسلیح اجباری، باج و خراج جنگی و علیه تضییقات پلیسی رژیم، عرصه هایی از این مبارزات هستند. این مبارزات علیرغم وسعتشان از پراکندگی و سازمان نیافتگی رنج میبرند که قابلیت آنها را در مقابله با رژیم و تحمیل عقب نشینی به آن به شدت کاهش داده است.

سیر تحولات سیاسی سالهای اخیر در جنبش کردستان، در عین حال سیر افزایش فشارها از جانب جمهوری اسلامی و تحمیل عقب نشینی ها و محدودیتهای به جنبش کردستان بوده است. این محدودیت ها که اساساً عرصه مبارزه مسلحانه نیروی پیشمرگ را در بر گرفته از آنجا که سنتاً افق و آرمان بورژوا_ناسیونالیستی در کردستان در هراس از توده های به میدان آمده جنبش را تنها با این عرصه تعریف کرده است، با محدودیتهای آن افق و دور نمای پیروزی را هم از دست داده است. آنچه که در این رابطه اهمیت میابد جایگاه ارائه تصویر روشنتری از شرایط، ملزومات و افق پیروزی این جنبش در برابر توده های مردم در شرایط کنونی از سوی ماست. امری که در همان حال پراتیک آتی ما را نیز هدفمندتر و تحول بخش تر می سازد.

بنابراین برای گام برداشتن به جلو ضروری است که نه فقط اوضاع مشخص کنونی و بویژه آن فاکتورهای اصلی که احتمالات سیاسی آتی در کردستان را شکل میدهند مورد توجه و ارزیابی قرار گیرند، بلکه لازم است، بر نیروها و جریانات تعیین کننده ای که در پیروزی این جنبش نقش حیاتی و کلیدی دارند مروری بکنیم و نشان دهیم که در رابطه با عوامل فوق چه پیشرویهایی و در چه عرصه هایی لازم است.

3_ نیروهای تعیین کننده در پیروزی جنبش انقلابی کردستان

پیروزی جنبش کردستان یعنی در هم پیچیدن و بیرون راندن قوای اشغالگر جمهوری اسلامی از کردستان و استقرار حاکمیت انقلابی توده های مردم کردستان بدون شک حاصل یک انقلاب توده ای با همه ابعاد، عرصه ها و ابزارهای آن است.

این حقیقتی است که بارها از سوی ما مورد تاکید قرار گرفته است. اما صحبت بر سر این است که چنین هدفی را چگونه و با بکار انداختن کدام نیروهای مادی و اجتماعی و طی چه مراحل و پروسه ای میتوان متحقق ساخت .

جنبش کردستان در دوره های گذشته زیر رهبری فئودالها، سران عشایر و بورژوازی کرد بوده است. رهبری طبقات استثمارگر بر این جنبش در هر اس از بیداری و پا به میدان گذاشتن توده های وسیع مردم زحمتکش و برای باز نگاه داشتن دست خود در کنترل توده های مردم از یکطرف، و فراهم آوردن امکان هر گونه سازش و بندوبست با بالا از طرف دیگر، کوشیده است تا اهداف این جنبش را مستقل از منافع توده کارگر و زحمتکش و در واقع با تضمین بی حقوقی و تثبیت ستمکشی آنان و تامین امتیازاتی برای خود در چهار چوب اهداف ناسیونالیستی، بصورتی مبهم و با شعارهای ناسیونالیستی و گاه شوینیستی تعریف کند.

دوره اخیر جنبش کردستان ایران در مقایسه با سایر جنبش های کردستان (ایران و سایر کشورهای منطقه) تمایزات روشنی را با خود دارد که محصول پراتیک طبقه کارگر آگاه است. بدون تردید هر ناظر منصفی اثرات فعالیت ما بمثابة یک نیروی کمونیست را در جنبش اخیر کردستان به روشنی خواهد دید.

تاکید بر منافع مستقل کارگران و حراست از استقلال طبقاتی آنان در جنبش کردستان پدیده تازه ای است. امروز کارگران و زحمتکشان کردستان ایران متمایز و بیش از تمام دوران مبارزات خود در جنبش کردستان، وجود مستقل و منافع مستقل خود را درک می کنند. در هیچ دوره ای از تاریخ جنبش کردستان پیروزی برای توده مردم بطور اعم و کارگران و زحمتکشان به طور اخص هرگز معنی نشده است. ما می کوشیده ایم تا معنای این مبارزه را در منافع واقعی و مادی و روزمره کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار تحت ستم روشن نمائیم و مبارزه کارگران و زحمتکشان را از مبارزه حول یک تصویر مبهم به مبارزه برای دستیابی و تحقق اهداف روشن سیاسی و اجتماعی در هر شرایطی تبدیل کنیم و به همه ستمدیدگان نشان دهیم که طبقه کارگر

پیگیرترین مبارز راه آزادی و رهایی است و هر آزادیخواهی اگر بخواهد آزادیخواه بماند و برای آزادی مبارزه کند باید به مبارزه طبقه کارگر بپیوندد.

تدقیق رؤس مطالبات دموکراسی انقلابی و حقوق مردم زحمتکش در کردستان و تبلیغ مستمر آنها، بالابردن سطح توقعات دمکراتیک زحمتکشان و آشنا کردن آنها با حقوق اولیه و انکار ناپذیرشان، مبارزه علیه شیوخ و مرتجعین و علیه خرافات و سنت های عقب مانده بویژه در مورد زنان و احیای شخصیت اجتماع زن و تلاش برای بیداری سیاسی آنان و ... همه و همه مهر فعالیت ما را بر خود دارد. بر خلاف تمام دوره های دیگر جنبش کردستان، در دوره اخیر ما شاهد نمونه های پرشوری از مبارزات متشکل توده ای تاحد مبارزه مسلحانه توده ای بوده ایم و به جرات میتوان گفت که ما سازمانده و هدایت کننده همه این مبارزات بوده ایم. کوچ مردم مریوان، راهپیمایی مردم شهرهای کردستان به حمایت از مردم مریوان تحسن تاریخی مردم سنندج، دفاع قهرمانانه مردم سنندج در مقابل حمله جمهوری اسلامی در فروردین 59، اتحادیه های دهقانی برای مقابله با فئودالها و مرتجعین محلی، سازمان دادن و پشتیبانی و شرکت در مصادره زمین های اربابی، بنکه ها و شوراهای محلات در شهرها، مجامع عمومی و ...

اما یقیناً آنچه که انجام شده تمام آن چیزی که میبایست و میتوانست انجام گیرد نیست. جنبش کردستان در بیرون کشیدن خود از دایره تلقیات، آرمانها و سنتهای گذشته و بکار انداختن تمام توان و انرژی خود موفق نبوده. این جنبش هنوز حامل بار سنگین سنن گذشته و شیوه ها و سیاست هایی است که نه متعلق به کمونیست ها و طبقه کارگر بلکه به طبقات دیگر است.

واقعیات امروزی جنبش کردستان با صراحت هر چه بیشتر نشان می دهد که هر گونه پیشرفت در جنبش کردستان، هر گونه گام برداشتن در جهت پیروزی همچون همه جنبش های انقلابی در این دوره، نیازمند حضور فعال پرولتاریا بمثابه ستون فقرات آن و در گرو اتحاد سیاست ها، روش ها و سنن کمونیستی و زدودن شائبه های غیر کمونیستی در سیاست و پراتیک ماست.

* * * *

تامین پیروزی جنبش انقلابی کردستان، محصول عملکرد نیروهای مادی و اجتماعی است که در عرصه این مبارزه عمل میکنند، مبارزه را به پیش میبرند و قادرند انرژی و توان مورد نیاز برای پیروزی را آزاد سازند و جمهوری اسلامی را شکست دهند.

از میان نیروهای مختلفی که به هر حال به جمهوری اسلامی فشار میاورند سه نیرو یا سه جریان اساسی وجود دارند که قادرند در صورت به هم بافته شدن، جمهوری اسلامی را به زانو در آورند. این سه جریان عبارتند از گسترش جنبش کارگری، بقاء و رشد جنبش همگانی دمکراتیک بر سر مسئله ملی و دمکراتیسم معین در کردستان، شعله ور ماندن و رشد مبارزه مسلحانه بعنوان یکی از اشکال مبارزه خلق کرد بر علیه جمهوری اسلامی. در کنار اینها خنثی کردن عنصر سازش و سنن و شعارهایی که در جهت مخالفت بکار افتادن این نیروها در درون جامعه کردستان عمل مینماید.

مبارزه طبقه کارگر متحد و متشکل برای بدست آوردن مطالبات خویش (مطالبات اقتصادی و سیاسی) در جنبش انقلابی کردستان مانند هر انقلاب دیگری اساس پیشروی و پیروزی آن است. متحد کردن طبقه کارگر حول مبارزه برای مطالبات اقتصادی خود علاوه بر اهمیت همیشگی خود در واقف ساختن کارگران به نیروی خود در ارتقاء همبستگی و اتحاد طبقاتی آنان، یکی از اهرمهای فشار بسیار نیرومند به جمهوری اسلامی است. عملکرد طبقه کارگر متحد و متشکل در جنبش انقلابی کردستان تضمین کننده عمق، پیگیری و رادیکالیسم آن است. بیگمان درجه اتحاد و تشکل جنبش کارگری و پیوند خوردن آن با سازمان پیشرو طبقه به لحاظ سیاسی و تشکیلاتی ضامن عملکرد موثر این نیرو است.

رشد یک جنبش همگانی دمکراتیک بر سر مسئله ملی و مطالبات دمکراتیک معین در کردستان: حق تعیین سرنوشت خودمختاری، خروج قوای اشغالگر، علیه فضای میلیتاریستی کردستان، علیه فشارها و تحمیلات ناشی از اشغال کردستان، علیه قوانین ارتجاعی رژیم اسلامی، علیه ستمگری بر زنان، ... و به میدان کشیدن طبقه کارگر متشکل و متحد بمنابۀ ستون فقرات این اعتراض توده ای، از پایه های پیروزی جنبش کردستان است.

مبارزه مسلحانه در کردستان یک شکل شناخته شده و مهم اعتراض و مبارزه است که جنبش کردستان در سیر پیشروی خود بدان دست یافته است و در دوره اخیر از یک کاسه شدن قدرت توسط جمهوری اسلامی در کردستان جلوگیری کرده، از فعال مایشایی رژیم ممانعت به عمل آورده و یک تناسب قوای عملی را در کردستان بر جمهوری اسلامی تحمیل کرده و بکرات وی را مجبور به عقب نشینی در مقابل جنبش سیاسی و اعتراض توده ای نموده است. بقا و تداوم و گسترش این شکل از مبارزه، در همانحال که اهرم فشار نیرومندی علیه جمهوری اسلامی است، تامین کننده خاصیت های فوق در دوره کنونی نیز هست و عامل موثری در شکل دادن به یک بر

آمد توده ای می باشد و در سازمان دادن تعرض نهایی و یکسره کردن قدرت به صورت رسمی یا دوفاکتور در کردستان در مقابل جمهوری اسلامی، نقش اساسی را بر عهده خواهد داشت.

خنثی کردن نقش سازشکارانه و شکست طلبانه احزاب بورژوازی که فقط در رقابت با بورژوازی مرکزی بسر میبرند، جریان اساسی دیگری است که در جنبش کردستان بایستی به پیش برده شود. سیاست، افکار، عقاید، سنن و منافع بورژوازی، علاوه بر اینکه به لحاظ تاریخی و اجتماعی در کردستان حضور دارد، بمثابة تشکل سیاسی نیز فعال است نوسانات، سازشکاری و اقدامات ضد دمکراتیک حزب سیاسی بورژوازی در جنبش کردستان یکی از عوامل مهم کنار زدن توده مردم از مبارزه انقلابی و نقطه ضعف این جنبش است. بی گمان جنبش کردستان به همان درجه ای به مثابه یک جنبش انقلابی عمل خواهد کرد و توده های مردم و بویژه طبقه کارگر به همان اندازه ای قدم در میدان مبارزه انقلابی خواهد گذاشت که این نقطه ضعف در ابعاد سیاسی، عقیدتی، اجتماعی و فرهنگی خنثی گردد.

بکار انداختن این نیروها و به هم بافتن آنها بر زمینه عینی مادی و اجتماعی مساعدی که وجود دارد قطعاً نیازمند فعالیت های ویژه ای از جانب ماست. لیکن آنچه که ما را قادر خواهد ساخت بطور واقعی این نیروها را به میدان بیاوریم، تحکیم و گسترش ابزار کمونیستی یعنی تشکیلات سیاسی طبقه کارگر است. تشکیلات کمونیستی، حزب سیاسی طبقه کارگر که مستقل از افت و خیزهای جنبش در هر شرایطی نیروهای مادی و اجتماعی را به جلو هدایت کند ابزار تعیین کننده حفظ و پیروزی این جنبش نیز هست.

در کردستان-اکنون چنین تشکیلاتی وجود دارد و چنانکه قبلاً نیز اشاره شد مهر خود را بر این جنبش حک نموده. تشکیلاتی که نفوذ معنوی و وسیع توده ائی آن در میان کارگران و زحمتکشان در تاریخ اخیر ایران کم سابقه است. این تشکیلات باید چنان سنت ها و روش هایی را اتخاذ کند که هر کارگر پیشرو و آگاهی آنرا ظرف طبیعی و مناسب برای تشکل و مبارزه بیابد و به سهولت در آن سازمان یابد و به سازمان در برگیرنده همه کارگران پیشرو و آگاه و رهبران جنبش کارگری در کردستان بدل گردد. سازمانی کمونیستی که پایه های تشکیلات خود را در میان طبقه کارگر مستحکم کرده باشد و قادر گردد طبقه کارگر را متحد، متشکل و آگاهتر به میدان مبارزه برای دست یابی به اهداف مستقل طبقه کارگر بکشد و آنرا رهبری کند، در عین حال محکم ترین و اطمینان بخش ترین ضمانت را برای پیشبرد و به پیروزی رساندن جنبش فراهم می نماید.

4_ احتمالات ممکن در سیر جنبش کردستان و رئوس وظایف ما

فاکتوهای فوق، آن عوامل اصلی هستند که در بر انگیختن و به حرکت در آوردن و رهبری نیروی واقعی جنبش انقلابی کردستان نقش حیاتی دارند و چنانچه مجموعاً بطور جدی بدست گرفته شوند بر آمد توده ای و تحقق پیروزی جنبش را امکان پذیر می سازند.

چنین بر آمدی در کردستان ممکن است با مبارزه سیاسی و همگانی در ایران همزمان باشد و یا نباشد. بی تردید هر نوع تکان طبقه کارگر و جنبش کارگری در ایران و یا جنبش همگانی و بطور کلی متزلزل شدن پایه های حکومت جمهوری اسلامی پیروزی جنبش کردستان را بسیار سهل تر و کم مشقت تر خواهد نمود و از طرف دیگر پیشرویها و گسترش جنبش انقلابی نیز بر جنبش کارگری و انقلابی در ایران و متزلزل کردن پایه های جمهوری اسلامی تاثیر خواهد گذاشت. اما به هر حال سرنوشت جنگ ایران و عراق و بحران انقلابی ایران، دو مولفه اصلی هستند که احتمالات سیاسی فوق در دوره آتی را شکل می دهند. این احتمالات سیاسی ممکن است متعدد باشد. لیکن اگر نخواهیم در اینجا خود را به احتمالات فنی تر مشغول داریم و این احتمالات را در چهار چوب مولفه ها و نیروهای اصلی مورد ارزیابی قرار دهیم، دو حالت اساسی را در میان بقیه حالات میتوان تصور کرد. اول اینکه ارکان جمهوری اسلامی با توجه به دو مولفه فوق الذکر منجمله شکست در جنگ ایران و عراق یا خاتمه این جنگ زیر فشار نارضایتی و اعتراض و مبارزه مردم، خیزش جنبش کارگری و توده ای در ابعاد سراسری، تشدید اختلافات درونی، مرگ خمینی و ... متزلزل گردد و در نتیجه یک یا مجموعه ای از این فاکتورها شاهد خیزش توده ای در ابعاد سراسری باشیم، امری که بی تردید کردستان را نیز در بر خواهد گرفت و مساعدترین شرایط را برای پیشروی جنبش انقلابی کردستان فراهم خواهد ساخت. دوم اینکه جمهوری اسلامی برای دوره طولانی تر در ابعاد سراسری از ثبات نسبی برخوردار گردد، تناقض خود با شرایط متعارف سرمایه داری را از پیش پای بردارد.

اختلافات درونی خود را تخفیف دهد، جنگ ایران و عراق را با برتری چشمگیر به سود خود خاتمه دهد، بتواند بحران انقلابی موجود در جامعه را برای دوره طولانی تری سرکوب نماید و ... که مسلماً چنین وضعیتی برای جنبش کردستان نیز شرایط نامساعدتر و دشوارتری را فراهم خواهد آورد.

بی شک متزلزل شدن بنیادهای حکومت جمهوری اسلامی امری محتمل است. بحران اقتصادی عمیق این رژیم که با کاهش قیمت نفت (این منبع اصلی درآمد دولت در سر پا نگاه داشتن خود و تمام دستگاه عریض و طویل سرکوب آن است) تشدید شده و یورش وسیع آن به زندگی توده های وسیع بویژه کارگران و زحمتکشان بیکاری چند میلیونی، نفرت عمومی از رژیم و خواست سرنگونی آن، شکل گیری مبارزه مسلحانه علیه رژیم، موقعیت متزلزل رژیم در جنگ با عراق (چه به لحاظ نفرت و اعتراض مردم علیه آن و چه به لحاظ تعادل قوای کنونی در مقابل عراق) اختلافات حاد درونی و همچنین موقعیت جمهوری اسلامی در سیستم جهانی امپریالیستی و جایگاه آن در حفظ درونی و همچنین موقعیت اسلامی در سیستم جهانی امپریالیستی و جایگاه آن در دوام سرمایه در ای (که در نوشته های حزبی ما به تفصیل توضیح داده شده) همه و همه اوضاع ایران و موقعیت رژیم را در وضعیت ناپایداری قرار داده است. حزب ما بمثابة یک حزب سیاسی سراسری طبقه کارگر ایران، تلاش خود را در سرنگونی این رژیم بکار برده و خواهد برد. اما در چهار چوب کردستان ما نیز باید آمادگی استقبال و دامن زدن به این وضعیت را داشته باشیم. باید بتوانیم در راس توده های مردم کردستان و با به حرکت در آوردن سریع نیروهایی که پیش تر توضیح داده شد، کار رژیم را در اینجا یکسره نمائیم و حکومت خودمختار انقلابی کردستان را سازمان دهیم و برای این کار باید رؤس اقدامات سیاسی، تشکیلاتی و نظامی مان را روشن نمائیم. باید آلترناتیومان را برای حاکمیت مردم بیش از سابق حدادی کنیم، جایگاه شوراهای فابریک شوراهای شهر، روستا و ... و سایر ارکان حکومت انقلابی مردم را روشنتر و دقیق تر کنیم.

قوانین دمکراتیک و انقلابی در عرصه های گوناگون (دادگاهها و قانون مجازات، ازدواج و طلاق و ...) سیاست اقتصادی این حکومت بویژه در دوره ای که خود را تثبیت می نماید، راه مقابله با خطر فلاکت اقتصادی و غیره را روشن و دقیق نمائیم. آنها را تبلیغ و به عقاید همگانی بدل کنیم. اینها وظایفی هستند که در دوره آتی بهر حال جزو وظایف تشکیلات ما قرار دارند و باید هر چه زودتر انجام گیرند. اما همانگونه که پیشتر گفته شد این احتمال نیز وجود دارد که علیرغم حضور و وجود جنبش انقلابی در کردستان، در ابعاد سراسری جمهوری اسلامی موقعیت خود را حفظ کند و فشار بر جنبش انقلابی کردستان در حد کنونی بماند و یا افزایش یابد.

در چنین اوضاع و احوالی نیز باید بکوشیم تا نیروی واقعی این جنبش را بکار اندازیم و با اتکا به آن نه تنها فشارهای رژیم را خنثی سازیم، بلکه برآمد توده ای و قیام مردم کردستان برای

بیرون راندن قوای جمهوری اسلامی از کردستان و بر پا داشتن حاکمیت انقلابی مردم را تسهیل و سازمان دهیم. بهر درجه ای که ما بتوانیم مبارزات کارگری و همگانی را گسترش داده و متحد گردانیم، به همان درجه نه تنها آسیب پذیری جنبش کردستان و طبعاً نیروی مسلح ما کاهش خواهد یافت، بلکه موقعیت رژیم و قدرت او رو به نقصان خواهد نهاد. بر این اساس اگر بخواهیم رئیس وظایفمان در دوره آینده را توضیح دهیم به چند نکته اساسی می توان اشاره کرد:

الف_ شعله ورنگه داشتن و تقویت مبارزه مسلحانه بعنوان یکی از اشکال اصلی مبارزه خلق کرد علیه جمهوری اسلامی.

همانگونه که گفته شد مبارزه مسلحانه یکی از نیروها و پایه های تحقق استراتژی جنبش انقلابی در کردستان است و بخصوص در یک دوره بر آمدتوده ای، ابعاد توده ای یافته و ابزار اصلی یکسره کردن کار جمهوری اسلامی در کردستان خواهد بود و اکنون نیز مستقل از اینکه مبارزه مسلحانه ما بخشی از فعالیت ما بمثابة یک حزب در حال جنگ است، خاصیت هایی را که قبلاً گفتیم داراست. یعنی از یک کاسه شدن قدرت در کردستان توسط جمهوری اسلامی ممانعت کرده، بر اعتراضات توده ای تاثیر بسزایی داشته و یک تناسب قوای عملی را در کردستان میان مردم و جمهوری اسلامی بر رژیم تحمیل نموده و بکرات وی را مجبور به عقب نشینی در مقابل جنبش سیاسی کرده است و ... و حفظ و گسترش این قابلیت و به این اعتبار روش نگاه داشتن شعله مبارزه مسلحانه برای جنبش انقلابی کردستان اهمیت حیاتی دراد.

در دوره آینده فعالیت نظامی ما باید بخشی از فعالیت سیاسی همه جانبه مان در بکار انداختن نیروهای تعیین کننده این جنبش و ملزومات آن باشد. فعالیت نظامی ما باید عملکرد و کار کرد تا کنونی خود را که فوقاً توضیح داده شده حفظ نماید و آن را قدم به قدم به نسبت توانائی خود توسعه دهد. فعالیت نظامی ما در این دوره باید به رشد مبارزات اعتراضی توده ها و سازمان یابی آنان کمک کند علیه تثبیت قوانین، نهادها و عملکردهای معین رژیم معطوف گردد. رئیس عرصه ها و زمینه های این فعالیت باید تعیین و ابلاغ گردند.

نیروی مسلح پیشمرگ در دوره آینده باید وظایف ساده تری را بر دوش داشته باشد و وزنه های سنگین وظایف متعدد و متنوع از پایش باز شود، و ریتم عملی و معقولی در عملیاتها و جوله های واحدهای نظامی تعیین گردد. عملیاتها و جوله های نظامی این دوره باید از لحاظ سیاسی هدفمند، از لحاظ نظامی زود فرجام نفوذی و غافلگیر کننده باشند. تلاش لازم باید به عمل آید تا از

درگیریهای تحمیلی و دفاعی اجتناب شود. مسلماً با نزدیک شدن بر آمد توده ای در کردستان، این نیرو برای تعرض و پیشروی وظایف متناسب با آن دوره را بر عهده خواهد داشت.

ب_ دامن زدن به مبارزات اعتراضی کارگران و زحمتکشان و مردم کردستان در سطوح مختلف و تبدیل کردستان به یک سرزمین مقاومت توده ای.

واقعیت این است که این جنبش ها و مبارزات پراکنده، غیره متشکل و دفاعی هستند. در دوره آینده ما باید علاوه بر اینکه جایگاه و اهمیت این جنبش ها را در تحقق پیروزی جنبش انقلابی کردستان برای مردم توضیح دهیم، میباید همه تلاشمان را در جهت متحد کردن، متشکل کردن، تکثیر و تعرضی کردن این مبارزات به کار اندازیم.

در زمینه شعارها ما ضمن اینکه باید شعارهای پایه ای و اساسی مان نظیر خروج قوای جمهوری اسلامی از کردستان، حقوق پایه ای مردم زحمتکش، و اهم مطالبات کارگری، را تبلیغ و ترویج نمائیم. باید به نسبت مبارزات در سطوح مختلف شعارها و مطالبات روشن و معطوف به این مبارزات را طرح و تبلیغ کنیم. شعارهایی که قبل از هر چیز متحد کننده و منطبق بر توانایی و آمادگی توده ها برای مبارزه حول آنها باشد. به عبارت دیگر باید بویژه به طرح آن شعارهایی که در تعادل قوای میان مردم و جمهوری اسلامی قابل حصولاند و نیزشان دادن راههای عملی پیشبرد مبارزه پرداخت.

هر نوع مبارزه و اعتراض توده ها علیه جمهوری اسلامی-ولوکوچک- باید مورد توجه، پشتیبانی و هدایت قرار گیرد و مبارزات توده ای و کارگری قدم به قدم متشکل تر، متحدتر و سازمان یافته تر گردد.

در زمینه شیوه های تشکل و سازمان یابی کارگران و توده های مردم نیز ما باید ضمن اینکه اشکال عالی این سازمان یابی را تبلیغ و ترویج نمائیم، نباید به چهار چوب این اشکال در هر شرایطی مفید و محدود ماند. اشکال مختلف و متنوع سازمان یابی و تشکل توده ای باید مورد ارزیابی و توجه قرار گیرند. تشکل هایی که بتوانند به سهولت و به طور طبیعی در مقاطع مختلف تعادل قوای میان مردم و جمهوری اسلامی در مبارزات و مکان های گوناگون متشکل کننده توده ها باشند. در شرایط کنونی بایستی قبل از هر چیز نفس مبارزه و اعتراض و خصوصیات آن را شناخت و با ابتکار و انعطاف بیشتر به متشکل کردن این مبارزات پرداخت.

بدیهی است آنچه که باید خصوصیت عمومی این تشکل‌ها باشد این است که اولاً حتی المقدور علنی و میکی بر اجتماع عمومی تعداد هر چه بیشتری از کسانی باشد که در مبارزه درگیرند (و نه فقط محدود به هوادران کومه له) و ثانیاً ظرف مناسب و عملی برای پیشبرد مبارزه و به هم پیوستن و متحد کردن توده‌ها باشد.

در دوره آینده باید بویژه به جنبش کارگری توجه جدی مبذول گردد. ضمن اینکه باید کلیه اقدامات فوق در این زمینه نیز انجام شود، بعلاوه باید جنبش کارگری را نه تنها در عرصه مبارزات اقتصادی سازمان داد بلکه می‌بایست آنرا به مطالبات دمکراتیک جنبش همگانی گره زد، باید کارگران را به دخالت فعال و متشکل (بمثابه کارگران متشکل) در تحقق اهداف همگانی این جنبش دعوت کرد و عملاً جنبش کارگری و کارگران و زحمتکشان را به عنوان ستون فقرات جنبش انقلابی در آورد.

بی‌گمان ابزارهای تحقق این امر عبارت خواهند بود از تبلیغات سراسری ما، عملکرد فعال تشکیلاتهای محیط کار و زیست، و فعالیت نظامی ما که باید برای شکل دادن به یک اعتلای انقلابی توده‌ای با رهبری فعال مبارزات اعتراضی کارگران، جنبش همگانی، مبارزه مسلحانه، در خدمت یک سیاست واحد مبارزاتی علیه جمهوری اسلامی تلاش نماید.

تبلیغات ما در دور آتی باید منطبق بر آنچه که گفته شد جهت‌گیری نموده و فعال شود. بعلاوه باید بیش از گذشته بر زندگی و مبارزه کارگران و زحمتکشان متکی گردد این تبلیغات باید قانع‌کننده بوده و سطح درک مخاطبین خود را بالا ببرد. این امر همه عرصه‌های تبلیغی ما تبلیغ سراسری و تبلیغ محلی (بوسیله تشکیلات علنی و تشکیلات مخفی) را شامل می‌گردد.

در این زمینه بویژه لازم است صدای انقلاب به عنوان یک ارگان موثر تبلیغی به شکل جدی تری هدایت و تقویت گردد و انرژی و امکانات بیشتری بدان تخصیص داده شود. تشکیلاتهای محل کار و زیست چه در شهر و چه در روستا باید ضمن تلاش در شکل دادن به یک استخوان بندی محکم حزبی در میان کارگران و زحمتکشان این جهت‌گیری را در کار خود رعایت کنند و در حقیقت بیشترین ابتکارات و انعطافها در متشکل کردن و رهبری نمودن مبارزات معین کارگری و توده‌ای از جانب رهبران عملی و پیشروان جنبش کارگری در این عرصه‌ها میتواند صورت پذیرد.

گرچه مبارزات جاری در کردستان کم و بیش از شعارها و تشکیلات ما متأثر بوده است، و گرچه توده وسیع کارگران و زحمتکشان و رهبران و پیشروان عملی این مبارزات و بویژه

مبارزات کارگری و زحمتکشان و رهبران و پیشروان عملی این مبارزات و بویژه مبارزات کارگری و سיעاً زیر نفوذ معنوی کومه له هستند، لیکن با قطعیت میتوان گفت که هنوز رهبران بلاواسطه عملی این مبارزات با ما عملاً پیوند نخورده اند. تشکیلات ما در محیط کار و زیست کارگران و زحمتکشان چه در شهر و چه در روستا باید به سرعت مکانیسم ها و امکانات خود را در شکل دادن، متحد کردن، متشکل کردن این مبارزات و جذب و متحد کردن رهبران مبارزات کارگری و توده ای و شکل دادن به رهبری مبارزه محلی در ابعاد وسیعتر و پابهای سازمان یابی توده ای بکار اندازد.

نقش فعالیت نظامی ما پیش تر توضیح داده شد. این فعالیت باید به لحاظ سیاسی هدفمند و در پیوند با اهداف فوق و در جهت تسهیل آنان صورت پذیرد.

ج_ نزدیک کردن کومه له به رهبران، فعالین و پیشروان کارگران و ایجاد یک ستون فقرات حزبی در میان کارگران بویژه در شهرها.

در دوره آتی روند ساختمان و توسعه تشکیلات حزبی در محیط کار و زیست نه تنها باید ادامه یابد، بلکه گسترش این تشکیلات و همچنین تحکیم تشکیلات موجود باید مورد توجه قرار گیرد. وجود یک استخوان بندی محکم حزبی (چه از لحاظ ایدئولوژیک و چه از لحاظ تشکیلاتی و امنیتی) بدون تردید اهمیت تعیین کننده خود را در انجام وظایف همیشگی ما دارا است.

د_ تحکیم حزب و تثبیت سنن و روشهای کمونیستی در تشکیلات علنی.

در فاصله بین کنگره چهارم و کنگره پنجم در زمینه مستحکم کردن تشکیلات در شرایطی که تشکیلات ما نه تنها در گیر جنگ علیه جمهوری اسلامی بلکه درگیر یک جنگ داخلی تمام عیار با حزب دمکرات بوده، دست آورهای زیادی داشته ایم که تحکیم وحدت ایدئولوژیک و سیاسی، گسترش اخلاقیات عالیتر در مناسبات بین افراد، جایگزین شدن هر چه بیشتر ملاکهای سیاسی به جای ملاکهای شخصی، حساسیت در مقابل نقض اصول، ادامه کاری مدرسه حزبی اکتبر و ... از جمله آنهاست.

در دوره آتی این دستاوردها باید تحکیم و گسترش یابند و تشکیلات موجود باید حفظ شود. حفظ تشکیلات هم به معنی حفاظت از نیروها و کادرها و امکانات هم به معنی فیزیکی و هم سیاسی آن،

یعنی حفظ اصولیت، سنت ها و ارگانها و روابط حزبی و تشکیلاتی، حفظ وحدت سیاسی و ایدئولوژیک تشکیلات.

در دوره آتی باید از مکانیسم های دخالت رفقای تشکیلات در حیات سیاسی حزب در سطوح مختلف بیش از پیش استفاده گردد و این مکانیسم در جهت ارتقا وحدت سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی حزب هر چه بیشتر مورد بهره برداری قرار گیرد.

5_ سیاست ما در قبال حزب دمکرات

کنگره پنجم در ادامه بحث بر روی مسائل تاکتیکی ما در جنبش کردستان خط مشی عمومی و مواضع تا کنونی کمیته مرکزی را در قبال جنگ طلبی حزب دمکرات و مقابله قاطعانه با سیاستهای این حزب علیه کمونیسم، دمکراسی، حقوق مردم زحمتکش و جنبش خلق کرد را تایید نمود و بر لزوم تدوام این سیاست در وجوه مختلف تاکید کرد.

کمیته مرکزی کومه له در دوره آتی کماکان و بر طبق سیاست تاکنونی تلاش خود در سطوح مختلف را برای دست یابی به صلح و برقراری آتش بس چه بصورت رسمی چه بصورت دوفاکتور، دنبال خواهد کرد.

6_ روابط خارجی

در این رابطه اساساً مناسبات ما با دولت عراق از اهمیت بیشتری برخوردار است. این رابطه بر مبنای تشدید اختلافات ایران و عراق و شروع جنگ و با هدف تقویت اپوزیسیون ایرانی به منظور تضعیف رژیم ایران از طرف دولت عراق و با هدف بهره گیری از این شرایط به منظور تقویت جنبش انقلابی کردستان از جانب ما بر قرار گردید.

در نیمه دوم سال 1360، دولت عراق تمایل خود را برای برقراری ارتباط با کومه له به اطلاع کمیته مرکزی وقت کومه له رساند. بدنبال آن پس از بحث های مفصل که در یکی از کنفرانس های سازمانی و نیز در کمیته مرکزی کومه له صورت گرفت، برقراری این رابطه به تصویب رسید. از آن هنگام تاکنون در سطح معینی بین دولت عراق و کومه له رابطه وجود دارد.

آنچه که از همان نخستین جلسه مذاکره هیئت نمایندگی ما با نمایندگان دولت عراق از سوی ما مورد تاکید قرار گرفته و از طرف آنان پذیرفته شده بدون قید و شرط بودن این رابطه بوده است. در چند سال گذشته ما بیان علنی هیچیک از اصول و نظرات اصولی خود را به این مناسبات مقید نساخته ایم و از این پس نیز نخواهیم ساخت. در عین حال لازمست گفته شود که این رابطه عملاً منجر به نوعی تخفیف در کمیت تبلیغات تاکتیکی ما در مقابل دولت عراق گشته و همچنین ما پذیرفته ایم که تسهیلاتی که از جانب آنان در اختیار ما قرار میگیرد علیه خود آنان بکار گرفته نخواهد شد.

تسهیلاتی که از جانب دولت عراق در اختیار ما قرار میگیرد استفاده از مرزها، ارتباط با خارج کشور و نیز حجم کوچکی از مصارف مالی و تسلیحاتی و درمانی را شامل میشود. این تسهیلات در اثر تحولات سیاسی منطقه ممکن است از این هم محدود تر گردد. بنابراین ضروری است که از هم اکنون برای روبروشدن با چنین وضعی آمادگی های لازم را کسب کنیم تا قادر باشیم فقدان یا کمبود این تسهیلات را جبران نمائیم.